

ارتباط بین نسبت‌های مالی و ارزش افزوده اقتصادی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

بهنوش نوری زاده^۱، دکتر کمال زارعی مروج^۲ و یدالله حکمی صفت^۲

^۱ کارشناسی ارشد حسابداری

^۲ هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

چکیده

سرمایه‌گذاران همواره تمایل دارند تا از میزان موفقیت مدیران در به‌کارگیری از سرمایه‌ی آنها آگاهی یابند. ایجاد ارزش و افزایش ثروت سهامداران در بلندمدت از مهمترین اهداف شرکت‌ها محسوب می‌شود و سیستم‌های ارزیابی عملکرد ابزارهایی مفید برای ارزیابی عملکرد مدیران به شمار می‌رود. بنابراین هدف از این پژوهش بررسی ارتباط بین نسبت‌های مالی و ارزش افزوده اقتصادی در شرکت‌های فلزات اساسی و صنایع شیمیایی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهش کاربردی می‌باشد. ابزار پژوهش صورتهای مالی شرکت‌های بورس و سایت کدال می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های فلزات اساسی و صنایع شیمیایی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. نمونه‌گیری آن نیز به صورت حذف سیستماتیک است. بنابراین در تحقیق حاضر بمنظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق تحلیل رگرسیون و همبستگی از طریق نرم افزار آماری EViews انجام می‌گیرد. نتایج نشان داد بین سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد، اما بین بازده حقوق صاحبان سهام با ارزش افزوده اقتصادی هیچ ارتباطی وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد. بین نسبت گردش موجودی کالا و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط منفی و معناداری وجود.

واژه‌های کلیدی: سود هر سهم، بازده حقوق صاحبان سهام، سرمایه در گردش، نسبت گردش کالا، ارزش افزوده

اقتصادی

مقدمه

استفاده از معیارهای سنتی ارزیابی نظیر عایدات شرکت ها، سود هر سهم، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی ها، جریان نقدی و نظایر آن در بازار سرمایه تا سالیان متوالی مرسوم بوده است تا اینکه معیارهای مبتنی بر ارزش برای ارزیابی عملکرد شرکت ها مطرح شدند. در ارزیابی عملکرد به روش سنتی فقط به سود حسابداری توجه می شود که به دلیل در نظر نگرفتن هزینه های تأمین منابع سرمایه شرکت ها روش مطلوبی محسوب نمی شوند. یکی از جدیدترین معیارهای مبتنی بر ارزش، معیار ارزش افزوده اقتصادی است. براساس این معیار، ارزش شرکت به بازده و هزینه سرمایه به کار گرفته شده شرکت بستگی دارد. بنابراین تفاوت بین ارزش افزوده اقتصادی و معیارهای سنتی در این است که در این روش تلاش می شود تا کلیه ی هزینه های تأمین مالی مورد توجه قرار گیرد (یحیی زاده فر، شمس، لاریمی، ۱۳۸۹).

ارزش افزوده اقتصادی یک معیار ارزیابی عملکرد می باشد که ظاهراً پیچیده است. اما، خوشبختانه محققان با خلاصه کردن محاسبات مربوط به ارزش افزوده اقتصادی در یک معادله جبری درک بهتری از آن فراهم نموده اند. بریور و همکاران در سال ۱۹۹۹ ادعا می کنند که در طرح های تقسیم سود، استفاده از ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار ارزیابی عملکرد بر خلاف معیارهای سنتی حسابداری ارزیابی عملکرد همچون بازده حقوق صاحبان سهام نتایج بهتری را در بر دارد. با در نظر گرفتن ارزش افزوده اقتصادی به عنوان معیار ارزیابی عملکرد، فعالیت مطلوب فعالیتی است که منجر به ارزش افزوده اقتصادی مثبت گردد. فعالیت های فاقد ارزش افزوده یا دارای ارزش افزوده منفی هم از نظر شرکت و هم از نظر اشخاص نامطلوب می باشند (بریور و همکاران، ۱۹۹۹).^۱

امروزه ارزش افزوده اقتصادی ابزاری مهم برای اندازه گیری عملکرد و مدیریت در دورترین نقاط دنیا مورد توجه قرار گرفت. هنوز نظریات مختلفی در مورد برتری ارزش افزوده اقتصادی نسبت به ابزار اندازه گیری عملکرد سنتی وجود دارد. استفاده از مفهوم ارزش افزوده اقتصادی و کاربرد عملی آنها به عنوان یک سیستم کنترل مدیریت برای اندازه گیری عملکرد در سازمان ها تأکید می شود (اسلامی بیگدلی، ۱۳۸۱).

از سوی دیگر، نسبت های مالی یکی از ابزارهای ارزیابی بنگاه ها توسط سرمایه گذاران و همچنین ابزاری برای مدیریت به منظور ارزیابی وضعیت موجود و پیش بینی وضعیت آتی واحد تجاری می باشد. معیارهای ارزیابی حسابداری و اقتصادی نقش بسزایی را در ارزیابی عملکرد شرکت ها ایفا می کنند، اما انتخاب معیاری مناسب از بین آنها موضوعی است که تحقیقات بسیاری را در ادبیات مالی موجب شده است.

اما سوال اصلی در رابطه با این پژوهش چنین مطرح می شود که آیا بین نسبت های مالی با ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؟

پیشینه پژوهش

(بنی مهد، مراد زاده فرد، عراقی، ۱۳۹۳) فاطمه به بررسی تغییرات مثبت سود هر سهم و قیمت سهام با استفاده از آزمون فرضیه ثبات رفتاری پرداختند. نتیجه گیری تحقیق حاکی از این است که هرگاه سود هر سهم در یک شرکت نسبت به سال قبل آن بیشتر باشد، قیمت سهام نیز افزایش می یابد. بر اساس این نتیجه میتوان استدلال نمود که تغییرات مثبت در سود هر سهم، بیشتر ناشی از مدیریت سود بوده و این موضوع مطابق با فرضیه ثبات رفتاری است،

(مهدوی، قربانی، ۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی مقایسه ای نقش شاخصهای نوین و سنتی نقدینگی در ارزیابی عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. تجزیه و تحلیل فرضیه های پژوهش نشان میدهد که تمامی فرضیه های پژوهش، به جز فرضیه مربوط به نسبت Q توبین تأیید شده است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها، به طور کلی، شاخص های نوین نقدینگی در ارزیابی عملکرد مالی شرکتها تصویر دقیق تری نسبت به شاخصهای سنتی نقدینگی به استفاده کنندگان از اطلاعات مالی در جهت اخذ تصمیمات بهینه ارائه می دهند.

۱- Bryvr and colleagues

صحت، شریعت پناهی، مسافری راد، ۱۳۹۰) در تحقیقی به رابطه بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی در صنعت بیمه پرداختند. یافتن همبستگی بین ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده سهام با حاشیه ارزش افزوده اقتصادی در صنعت بیمه نسبتاً قوی و مستقیمی برقرار است. البته این ارتباط در مورد بازده حقوق صاحبان سهام بیشتر می باشد.

(کرامر، پیترز ۲۰۰۹) در پژوهش خود همبستگی بین ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار و همبستگی بین سود عملیاتی خالص بعد از کسر مالیات و ارزش افزوده بازار را بین ۵۳ صنعت سنجیدند. آنها نتیجه گرفتند که از بین ۵۳ صنعت فقط در ۱۱ صنعت همبستگی بین ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار بهتر از همبستگی بین سود عملیاتی خالص بعد از کسر مالیات و ارزش افزوده بازار بوده است. در بقیه موارد همبستگی بین سود عملیاتی خالص بعد از کسر مالیات و ارزش افزوده بازار بهتر بود هاست.

مارک دیلف (۲۰۱۲). ارتباط بین مدیریت سرمایه در گردش و سودآوری شرکت را بررسی نمود. نتایج این بررسی نشان داد که مدیران می توانند سودآوری واحد تجاری را از طریق کاهش دادن روزهای حسابهای دریافتی معوق و موجودیها افزایش دهند و بطور مشابه کم نمودن چرخه تبدیل وجه نقد باعث افزایش سودآوری شرکت می گردد.

وست و ورثینگتون (۲۰۰۴) در پژوهشی محتوای اطلاعاتی ارزش افزوده اقتصادی را برای ۱۱۰ شرکت استرالیایی با محتوای اطلاعاتی سود باقی مانده، جریان نقدی عملیاتی و سود قبل از اقلام غیرمترقبه، مقایسه کردند. نتایج تحقیق نشان داد که در زمینه توضیح تغییرات بازده سهام، سود قبل از اقلام غیرمترقبه بهتر از سایر معیارها عمل می کند. در این تحقیق، سود قبل از اقلام غیر مترقبه و ارزش افزوده اقتصادی به ترتیب دارای بیشترین و کمترین ارتباط با بازده سهام بود. در محتوای فزاینده اطلاعاتی بررسی شد که آیا ارزش افزوده اقتصادی نسبت به سود باقی مانده و جریان نقدی عملیاتی، قدرت توضیح سود را بیشتر می کند یا خیر؟ تجزیه و تحلیل نشان داد که ارزش افزوده اقتصادی دارای محتوای فزاینده اطلاعاتی بیشتری نسبت به سود باقی مانده و جریان نقدی عملیاتی است.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی اول: بین نسبتهای سودآوری و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد

فرضیات فرعی:

فرضیه فرعی اول: بین سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه اصلی دوم:

بین نسبتهای کارایی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد

فرضیات فرعی:

فرضیه فرعی اول: بین دفعات گردش موجودی کالا و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف پژوهش کاربردی می باشد. این پژوهش از نظر منطبق اجرای پژوهش از نوع استقرایی، از نظر زمان انجام پژوهش سری زمانی و گذشته نگر، و چون داده ها قابل اندازه گیری هستند پس از نوع کمی می باشند. همچنین جزو تحقیقات اثباتی حسابداری قرار دارد. و از نظر ماهیت تحلیلی از نوع تجربی می باشد. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. در این پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک نسبت به تعیین حجم نمونه بر اساس معیارهای زیر اقدام خواهد شد:

- ۱- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد. ۲- در طی دوره مورد بررسی (۱۳۸۹-۱۳۹۳) تغییر سال مالی نداشته باشد. ۳- اطلاعات مالی آن قابل دسترس باشد.
- ۴- جزء شرکت های مالی (مانند بانک ها، موسسات مالی) و شرکت های سرمایه گذاری یا شرکت های واسطه گری مالی نباشد. ۵- اطلاعات مورد نیاز در بخش تعریف متغیرها در دسترس باشد.
- در تحقیق حاضر بمنظور تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه های تحقیق تحلیل رگرسیون و همبستگی از طریق نرم افزار آماری EVIEWS انجام می گیرد. بدین طریق که پس از ارائه آمار توصیفی متغیرهای تحقیق، نرمال بودن یا نبودن آنها با استفاده از روش آزمون توزیع داده ها آزمون می شود.

نحوه اندازه گیری متغیرها

الف. متغیرهای مستقل

*دفعات گردش موجودی

متوسط موجودی کالا / بهای تمام شده کالای فروش رفته = دفعات گردش کالا

در مخرج و به جای موجودی کالا بهتر است متوسط کالا را قرار داد. متوسط کالا از جمع موجودی اول سال و موجودی پایان سال تقسیم بر ۲ بدست می آید. بعد از محاسبه دفعات گردش کالا می توانیم دوره گردش کالا از تقسیم ۳۶۰ بر دفعات گردش کالا محاسبه کرد

دفعات گردش کالا / ۳۶۰ = دوره گردش کالا (به طور معمول نسبت گردش زیاد موجودی ها نشانه کارایی مدیریت شرکت است.

*سرمایه در گردش

داراییهای جاری - بدهیهای جاری = سرمایه در گردش

*سود هر سهم

تعداد سهام شرکت ÷ (مالیات - سود خالص) = سود هر سهم

*بازده حقوق صاحبان سهام

نرخ بازده حقوق صاحبان سهام / سود پس از کسر مالیات = ROE

ب. متغییر وابسته

ارزش افزوده اقتصادی

$$EVA = (r \times \text{Capital}) - (c \times \text{Capital})$$

یافته های پژوهش

الف) آمار توصیفی

در جدول (۴-۱) میانگین و واریانس، مینیمم و ماکسیمم متغیرهای تحقیق ارائه شده است. جدول ۴-۱: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

| متغیر | تعداد | میانگین | واریانس | مینیمم | ماکسیمم |
|-----------------------------|-------|---------|---------|---------|---------|
| سود هر سهم | ۴۰۰ | ۱۲/۰۳۴۱ | ۱۶۸/۲۷۸ | ۱۱/۲۴۷۸ | ۱۳/۲۰۳۶ |
| بازده حقوق صاحبان سهام | ۴۰۰ | ۰/۲۵۴۴۱ | ۲۵/۳۱۷ | ۲۴/۵۴ | ۲۹/۴۲۴۴ |
| نسبت دفعات گردش موجودی کالا | ۴۰۰ | ۲/۷۵۴۴ | ۵۴/۳۴۱ | ۱/۲۴۷۸۸ | ۳/۸۸۵۷۴ |
| سرمایه در گردش | ۴۰۰ | ۱/۶۸۵۱ | ۶/۰۷۴ | ۰/۴۱۵۲ | ۲/۲۵۴۱ |
| ارزش افزوده اقتصادی | ۴۰۰ | ۶۲۲۵۱۴ | ۱/۲۴۷۷ | ۴۶۵۴۳۲ | ۷۴۵۱۱۱ |

ب) تحلیل فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی اول: بین نسبتهای سودآوری و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول

فرض H_0 : بین سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود ندارد.

فرض H_1 : بین سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۷: نتایج مربوط به آزمون رگرسیون میان عملکرد سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی

| متغیرها | سود هر سهم |
|----------------|---------------|
| ضریب | ۱/۸۵۴ |
| T آزمون | ۳/۲۱۴ |
| سطح معناداری | ۰/۰۰۰ |
| ضریب تعیین | ۰/۶۴ |
| ضریب تعدیل شده | ۰/۶۱ |
| دوربین واتسون | ۱/۷۱ |
| آزمون فیشر | ۱۴/۱۴۵(۰/۰۰۰) |

همانطور که در جدول (۷-۴) مشاهده می‌شود آزمون T میان این دو متغیر ۳/۲۱۴ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ است که از ۰/۰۵ کمتر است و ضریب مثبت است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_1 پذیرفته شده و فرضیه فرعی اول تایید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده R^2 برابر ۰/۶۱ بوده و بیانگر این مطلب است که ۶۱٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. و همچنین آماره دوربین واتسون ۱/۷۱ می‌باشد، که این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، که نشان دهنده عدم خود همبستگی بین متغیرها می‌باشد.

فرضیه فرعی دوم

فرض H_0 : بین بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود ندارد.

فرض H_1 : بین بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۸: نتایج مربوط به آزمون رگرسیون میان عملکرد بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی

| متغیرها | بازده حقوق صاحبان سهام |
|----------------|------------------------|
| ضریب | ۰/۸۵۵ |
| T آزمون | ۲/۲۲۱ |
| سطح معناداری | ۰/۱۵۵ |
| ضریب تعیین | ۰/۲۵ |
| ضریب تعدیل شده | ۰/۲۱ |
| دوربین واتسون | ۱/۵۲ |
| آزمون فیشر | ۱۲/۲۲۵(۰/۲۱۴) |

همانطور که در جدول (۴-۸) مشاهده می‌شود آزمون T میان این دو متغیر ۲/۲۲۱ و سطح معنی‌داری ۰/۱۵۵ است که از ۰/۰۵ بیشتر است و ضریب مثبت است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_1 رد شده و فرضیه فرعی دوم تایید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط و معناداری وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده R^2 برابر ۰/۲۱ بوده و بیانگر این مطلب است که ۲۱٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. و همچنین آماره دوربین واتسون ۱/۵۲ می‌باشد، که این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، که نشان دهنده عدم خود همبستگی بین متغیرها می‌باشد

فرضیه اصلی دوم:

بین نسبت‌های کارایی و ارزش افزوده اقتصادی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی اول

فرض H_0 : بین نسبت دفعات گردش موجودی کالا و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود ندارد.

فرض H_1 : بین نسبت دفعات گردش موجودی کالا و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۹: نتایج مربوط به آزمون رگرسیون میان عملکرد نسبت سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی

| متغیرها | نسبت دفعات گردش موجودی کالا |
|----------------|-----------------------------|
| ضریب | ۲/۴۹۹ |
| T آزمون | ۴/۶۳۸ |
| سطح معناداری | ۰/۰۰۲ |
| ضریب تعیین | ۰/۷۱ |
| ضریب تعدیل شده | ۰/۶۸ |
| دوربین واتسون | ۲/۰۰۲ |
| آزمون فیشر | ۱۸/۳۶۵ (۰/۰۰۰) |

همانطور که در جدول (۴-۹) مشاهده می‌شود آزمون T میان این دو متغیر ۴/۶۳۸ و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۲ است که از ۰/۰۵ کمتر است و ضریب مثبت است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_1 پذیرفته شده و فرضیه فرعی اول تایید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین نسبت گردش موجودی کالا و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده R^2 برابر ۰/۶۸ بوده و بیانگر این مطلب است که ۶۸٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. و همچنین آماره دوربین واتسون ۲/۰۰۲ می‌باشد، که این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، که نشان دهنده عدم خود همبستگی بین متغیرها می‌باشد.

فرضیه فرعی دوم

فرض H_0 : بین سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود ندارد.

فرض H_1 : بین سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۴-۱۰: نتایج مربوط به آزمون رگرسیون میان عملکرد نسبت سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی

| متغیرها | سرمایه در گردش |
|--------------|----------------|
| ضریب | -۱/۱۸۶ |
| T آزمون | -۳/۰۸۹ |
| سطح معناداری | ۰/۰۰۸ |

| | | |
|---------------|----------------|--|
| ۰/۵۸ | ضریب تعیین | |
| ۰/۵۶ | ضریب تعدیل شده | |
| ۲/۰۰۷ | دوربین واتسون | |
| ۲۰/۸۹۶(۰/۰۰۰) | آزمون فیشر | |

همانطور که در جدول (۴-۸) مشاهده می‌شود آزمون T میان این دو متغیر ۳/۰۸۹- و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۸ است که از ۰/۰۵ کمتر است و ضریب منفی است. بنابراین با اطمینان ۹۵ درصد فرض H_1 پذیرفته شده و فرضیه فرعی دوم تایید می‌شود و نتیجه گرفته می‌شود که بین سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. ضریب تعیین تعدیل شده R^2 برابر ۰/۵۶ بوده و بیانگر این مطلب است که ۵۶٪ از تغییرات متغیر وابسته با متغیرهای مستقل مدل قابل تبیین است. و همچنین آماره دوربین واتسون ۲/۰۰۲ می‌باشد، که این مقدار بین ۱/۵ تا ۲/۵ است، که نشان دهنده عدم خود همبستگی بین متغیرها می‌باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

جهت آزمون این پژوهش بررسی ارتباط بین نسبت‌های مالی و ارزش افزوده اقتصادی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سالهای ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ بررسی شد. پس از جمع آوری داده های مورد نیاز، نسبت‌های مالی و ارزش افزوده اقتصادی، شرکتهای نمونه محاسبه گردید. و سپس با آزمون رگرسیون تک متغیر که با استفاده از نرم افزار ایویوز انجام شده فرضیات مورد بررسی آزمون شد. در این فرضیه به علت معنی داری شدن آزمون لیمر، برای آزمون فرضیات از روش پانلی با برآورد اثرات ثابت استفاده شده است. نتایج نشان داد بین سود هر سهم و ارزش افزوده اقتصادی رابطه مثبت و معناداری وجود ندارد، اما بین بازده حقوق صاحبان سهام با ارزش افزوده اقتصادی هیچ ارتباطی وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد. بین نسبت گردش موجودی کالا و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین سرمایه در گردش و ارزش افزوده اقتصادی ارتباط منفی و معناداری وجود. با توجه به پیشرفت های حاصل شده در زمینه های اقتصادی، حسابداری ناگزیر از استفاده از معیارهای اقتصادی جهت ارزیابی عملکرد شرکت ها و مد یران می باشد. بنابراین، معیارهای سنتی ارزیابی عملکرد دیگر مانند سود هر سهم و بازده حقوق صاحبان سهام پاسخگوی این نیاز نمی باشند و یا می بایست در اطلاعات صورت های مالی و نحوه ارائه آنها به استفاده کنندگان تغییراتی صورت گیرد. به عنوان مثال، نسبت های مالی و صورت های مالی ارائه شده توسط شرکت ها بر اساس اطلاعات تاریخی می باشند در حالی که تصمیم گیرندگان بر ای اتخاذ تصمیمات صحیح می بایست اطلاعات جاری شرکت ها را نیز در اختیار داشته باشند. بنابراین، تهیه و ارائه صورت های مالی تعدیل شده شرکت ها امری ضروری به نظر می رسد. بنابراین ارزش افزوده اقتصادی معیاری مؤثر در توصیف ارزش بازار سهام شرکت ها مطرح است و می تواند در کنار سایر معیارهای موجود، معیاری برای ارزیابی عملکرد شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- اسلامی بیدگلی، غلامرضا(۱۳۸۲). تحلیلی بر مبانی نظری ارزشیابی عملکرد شرکت های دولتی، فصلنامه پیام مدیریت دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، سال دوم، شمار ههای ۵ و ۶. صص ۲۵-۶۲
- بنی مهد، بهمن، مراد زاده فرد، مهدی، مروارید عراقی، فاطمه(۱۳۹۳). تغییرات مثبت سود هر سهم و قیمت سهام با آزمون فرضیه ثبات رفتاری. فصلنامه علمی و پژوهشی حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره بیستم، صص. ۷۷-۶۷
- صحت، سعید، شریعت پناهی، سید مجید، مسافری راد، فراز،(۱۳۹۰). رابطه بازده دارایی ها، بازده حقوق صاحبان سهام و ارزش افزوده اقتصادی در صنعت بیمه، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال نهم، شماره ۲، صص. ۱۲۱-۱۴۰

- یحیی زاده فر، م.، شمس، ش. و لاریمی، ج. (۱۳۸۹). رابطه ارزش افزوده اقتصادی و نسبت های سودآوری با ارزش افزوده بازار شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسیهای ۱۱۳-۱۲۸: (۵۹) حسابداری و حسابرسی،

۱۷

- مهدوی، غلامحسین، قربانی، اصغر (۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای نقش شاخصهای نوین و سنتی نقدینگی در ارزیابی عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱، ص ۶۷-

۸۸

-Brewer, P. Chandra, G.& C.A. Hock (1999), "Economic Value Added (EVA): its Uses and Limitations", SAM Advanced Management Journal, Vol.64, NO. 2, PP.4-11.

-Kramer, Jonathan k. , & peters, Jonathan R. "An Inter-industry analysis of Economic Value Added as

-Worthington, A. & T. West (2000), "Australian Evidence Concerning the Information Content of Economic Value Added", Australian Journal of Management, Vol. 29, No. 2, December, PP. 201-242.

-Deloof, M., (2012). "Does Working Capital Management Affect Profitability of Belgian Firms?", Journal of Business Finance & Accounting, Vol.30, No.3&4, p p. 57387,

-Polák, P Kocurek, K (2007). "Cash and Working Capital Management in the Czech Republic", Investment Management & Financial Innovations, Vol. 4, No.PP17-30